**بررسی تطبیقی گفتمان صلح در میان مکاتب دینی و بشری**

**(مطالعه موردی:اسلام وجماعت گرایان)**

**نیلوفر چینی چیان**

**دانشجوی دکتری علوم سیاسی علوم تحقبقات تهران، مدرس دانشگاه پردیس**

[nchinichian@yahoo.com](mailto:nchinichian@yahoo.com)

**چکیده :**

یکی از محوري ترين مباحث موجود در ميان مكاتب و اديان موضوع صلح وچگونگی دستیابی به آن است . در واقع باید گفت مفاهیمی چون عدالت ، دوستی ،گفتمان ، تعادل ، تساهل ومدارا و...در ارتباط با صلح به منصه ظهور می رسند . البته مفاهیم مطروحه غالباً بین الاذهانی هستند و در عرصه مصادیق اموری نسبی وارزشی قلمداد می شوند . ادیان همواره وجود صلح را از غایات زندگی بشر و راهی برای رسیدن به کمال و به زیستنِ فردِ انسانی ضروری می دانند . دین اسلام نیز به عنوان یک دین بزرگ الهی صلح را مفهومی جدا از عدالت وامنیت نمی داند . از سوی دیگر دربستر تاریخ اندیشه ورزیِ مکاتب بشری و در آراء فلاسفه بزرگی چون افلاطون ،ارسطو، لاک ،کانت ، رولز و.. با مضامینی چون صلح به مثابه عدالت ،صلح پایدار، صلح دموکراتیک روبرو می شویم. در جهان معاصر با رشد وگسترشِ خشونت ، افراطی گری ،اسلام هراسی ، غیریت سازی نیاز به گفتمانِ صلح میان مکاتب معاصر وادیان امری ضروری محسوب می شود. یکی از مهم ترین جریان های فکری معاصر اندیشه جماعت گرایی است. چارچوب تئوريك جماعت گرایی به علت برخورداري از آموزه هايي چون سياست به مثابه فضيلت، تقدم خیر برحق ، احترام به تكثر فرهنگي و ارزشي جوامع،‌ نفي سودگرايي تعاریف جدیدی از صلح وعدالت مطرح می نماید . به نظر می رسد مبانی نظری جماعت گرایان تا حدودی با مبانی نظری اسلام بتواند گفتمانی برمبنای تعامل ویافتن نقاط اشتراک داشته باشد. مايكل سندل ، چارلز تيلور ، مك اينتاير و مایکل والزر از انديشمندان برجسته اين حوزه فكري مي باشند . در این مقاله برای بررسی و واکاوی و تجزیه وتحلیل اطلاعات پژوهش از روش توصیفی – تحلیلی استفاده می شود. همچنین تحلیل وتوصیف براساس *هرمونتیک کوینتن اسکینر (متن – مولف محور ) است .*

**واژگان کلیدی** :اسلام ، جماعت گرایی ،تقدم خیر برحق ، صلح

A comparative study of the discourse of peace among human and religious schools  
 (Case Study of Islam and communitarians)

Abstract:

One of the most pivotal issues in the schools and religions is peace and how to achieve it. In fact, the concepts of justice, friendship, dialogue, balance, tolerance and peace would emerge in relation to arrive. The proposed concepts are often between subjective and relative terms in the examples and are valued. Religions there is always a way to reach peace from the ends of human life and the human person essential for life to the fullest and know. Islam as a great religion of peace God knows concepts of justice and security. The nursery bed thinking on human schools and the ideas of the great philosophers like Plato, Aristotle, Locke, Kant, Rawls and others with themes such as peace, justice, lasting peace, democratic peace encounter. In the contemporary world with the growth and spread of violence, extremism, Islamophobia, otherness of the need for peace dialogue between contemporary schools is essential valley. One of the most important contemporary intellectual currents of thought is community oriented. Community-oriented theoretical framework due to having doctrines such as politics as a virtue, not a priority right to respect and value cultural diversity of communities, rejecting utilitarianism has raised new definitions of peace and justice seem somewhat theoretical foundations gay community theoretical foundations of Islam can have a discourse on the interactions finding common points. Michael Sandel, Charles Taylor, MacIntyre and Michael Walzer of the leading thinkers are thinking in this area. In this paper we analyze the information for review and analysis and research of descriptive - analytic method is used. Skinner also analyze and describe the

*Key words: Islam, community oriented, good priority right, peace*

*مقدمه:*

گفتمان صلح ومناسبات آن در تاریخ ا ندیشه ورزی از مهم تریم چالش ها ی نظری در میان اندیشمندان فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی است . هر چند نگرش به آموزه صلح همواره از موضوعات معرفتی اندیشه سیاسی محسوب می شود ؛ولی صلح به عنوان یک آرمان سیاسی در یک دولتشهر مطلوب از مفاهیم ارزشی و دینی نمی تواند جدا باشد. اخلاقی کردن مفاهیم سیاسی در سطح ملی و در سطوح مناسبات بین المللی لازمهٌ جوامع متکثر عصر حاضر است . این پژوهش به بررسی تطبیقی دو گفتمان اسلام وجماعت گرایی می پردازد . فرض این پژوهش بر این اساس استوار است که در نهایت مکاتب بشریدوران فرامدرن برای حل مشکلات و بحران ها ی بیشمار بشر در عصر حاضر بایدآموزه های معرفتی مکاتب دینی والهی را پشتوانه نظری خود قرار بدهند.

اسلام به عنوان یک دین الهی در نظام معرفتی و انسان شناسی خود، دین و سیاست و مفاهیم مرتبط به آن را دو مقوله جدا از هم نمی داند.در تعریف جامعه سیا سی اسلامی تعامل انسان ها و دوری از جنگ وخشونت از منظر تاریخ اسلام و سیر اندیشه ورزی اسلامی همواره یک دالِ مرکزی بوده است . از سوی دیگر با توجه به بحران های فزاینده عصر حاضر و رشد وتوسعه خشونت ، افراطی گری و نا کارایی نظام قدرت جهانی درایجاد ثبات وامنیت جهان ،موجب شد مکاتب معاصر به خصوص لیبرالیسم مدرن از سوی بسیاری از متفکران این حوزه با چا لشی جدی مواجه شوند . یکی از بنیادی ترین نقدها از سوی فلاسفه جماعت گرا مطرح شده است .جماعت گرایان توجه و بازگشت مجدد به اخلاق فضیلت مدار را را در روابط بین انسان ها لازمه صلح و عدالت می دانند .با بررسی تطبیقی این دو گفتمان الهی وبشری، نکات و مولفه های مشترکی بالاخص در باب مفهوم صلح و رابطه آن با مفاهیم ارزشی می توان یافت.در راستای این پژوهش ضمن بررسی اجمالی گفتمان صلح در تاریخ اندیشه غرب به واکاوی و تبیین نظری آراء اسلامی در مبانی اندیشه اسلا می از گذشته تا عصر حاضر می پردازیم .در گام بعدی با هدف تعامل و در راستای تعالی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه های نظری مبانی و آموز ه های مشترک اسلام وجماعت گرایی را در بستر اندیشه سیاسی طرح وتبیین می نماییم . در این راستا تاکید برمولفه هایی است که زمینه های گفتمان مطلوب و راهبردی بین نظام جمهوری اسلامی ایران با یکی از مهم ترین جریان های فکری معاصر در غرب را در عرصه های نظری ممکن سازد.

نیلوفر چینی چیان

دانشجوی سال آخر دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه علوم تحقیقات تهران

مدرس دانشگاه آزاد پردیس

عضو کمیته اندیشه سیاسی انجمن علوم سیاسی ایران

شماره تماس 09123387617

ایمیل:nchinichian@yahoo.com